

Survey the relationship between philosophical mindedness and curriculum orientations of high schools' teachers of Zahedan city in 2013-2014

Masoud Ramroodi, Mohammad Akbaribooreng, Asad Allah Zangouei, Seyed Mahdi Hosseini

¹M.A in educational sciences- curriculum, college of educational sciences and psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

²Assistant professor, Department of educational sciences, college of educational sciences and psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

³Assistant professor, Department of educational sciences, college of educational sciences and psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

⁴M.A in educational sciences- curriculum, college of educational sciences and psychology, University of Birjand, Birjand, Iran

Abstract

Current study was conducted to investigate the relationship between teachers' Philosophical mindedness and curriculum orientations in high school in Zahedan city. This study is descriptive and correlational and its statistical population includes 894 high school teachers of city of Zahedan in 2012-13 academic years and finally 270 teacher of this statistical population were selected through multi-stage cluster sampling and by Cocran's formulation as statistical sample. Our data collection tools were included Philosophical mindedness questionnaire with 60 question and Cheung & Wong 's curriculum orientation questionnaire with 30 question that reliability coefficient through Cronbach's alpha was 0/72 for Philosophical mindedness questionnaire and 0/86 for curriculum orientation questionnaire.

The results of data analysis shows that there is positive and meaningful relationship between teachers' Philosophical mindedness and curriculum orientation and also Depths & Comprehensiveness are able to predict the teachers' curriculum orientation. Through data collected, there was a statistical meaningful difference between teachers' Philosophical mindedness in terms of gender, age and academic degree but this relationship in teachers' curriculum orientation wasn't meaningful.

Keywords: Curriculum, Curriculum orientation, Philosophical mindedness, Teachers, thought.

بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و جهت‌گیری‌های برنامه درسی دبیران مدارس متوسطه شهر زاهدان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

مسعود رمروودی، محمد اکبری، اسداله زنگویی، سید مهدی حسینی*

^۱کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۲استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۳استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۴کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و جهت‌گیری‌های برنامه درسی دبیران مدارس متوسطه شهر زاهدان انجام شده است. این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی و جامعه آماری آن ۸۹۴ نفر دبیر کلیه مدارس متوسطه شهر زاهدان در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و از طریق فرمول تعیین حجم نمونه کوکران در نهایت تعداد ۲۷۰ دبیر به عنوان نمونه انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه ذهنیت فلسفی سلطانی و همکاران (۱۹۹۶) با ۶۰ گویه و پرسشنامه جهت‌گیری‌های برنامه درسی چانگ و وونگ (۲۰۰۲) با ۳۰ گویه بود که ضریب پایایی با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ۰/۷۲ برای پرسشنامه ذهنیت فلسفی و ۰/۸۶ برای پرسشنامه جهت‌گیری‌های برنامه درسی به دست آمد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین ذهنیت فلسفی دبیران و جهت‌گیری‌های برنامه درسی آنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و ابعاد جامعیت و تعمق توانایی پیش‌بینی جهت‌گیری‌های برنامه درسی را داشتند. براساس نتایج به دست آمده، بین ذهنیت فلسفی دبیران از نظر جنسیت تفاوت معناداری وجود داشت، اما این تفاوت در جهت‌گیری‌های برنامه درسی دبیران مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، تفکر، جهت‌گیری برنامه درسی، دبیران، ذهنیت فلسفی

مقدمه

معلم در شکل دهی هویت‌های دانش‌آموزان نقش دارد و در نتیجه تأثیر قابل ملاحظه‌ای در جامعه ایجاد خواهد کرد (Norozi and et al., 2014).

تقسیم بندی‌های متعدد و مختلفی از رویکردهای برنامه درسی شده است. در این پژوهش، برای سنجش جهت گیری‌های برنامه درسی دبیران، جهت گیری‌های فرایند شناختی، رفتارگرایی، عقل گرایی آکادمیک، انسانگرایی و به گزینی شوآب مدنظر قرار گرفته است که بر اساس مطالعات اولیه آیزنر و همکارانش به دست آمده است (Akbaribooreng and et al, 2013).

شوبرت (Shubert, 1986) می‌نویسد، هنگامی که برنامه درسی متأثر از باورهای شخصی است پیوند بین فلسفه و آموزش نمود پیدا می‌کند، او معتقد است انتخاب و موضع یک معلم متأثر از باورهای شخصی او از ماهیت و هدف آموزش است. همچنین برخی از فیلسوفان مانند افلاطون (Plato)، کانت (Kant) و ابن سینا نیز آشکارا آراء تربیتی خود را بیان داشته‌اند که نشان دهنده اهمیت تعلیم و تربیت در جامعه است (Behalgard, 2010). اسمیت (Smith) که خود ارائه دهنده مفهوم ذهنیت فلسفی است، در کتابی با عنوان «فلسفه آموزش و پرورش» به تبیین نقش ذهنیت فلسفی در تعلیم و تربیت پرداخته است (Smith, 1990). او در فصل سوم کتاب خود چنین می‌نویسد: این نظریه که فلسفه و تعلیم و تربیت با یکدیگر ارتباط عمیقی دارند، به یقین نظریه جدیدی نیست، از آنجا که فلسفه، به طور سنتی، چپستی واقعیت، معرفت و ارزش را بررسی کرده است، ارتباط آشکاری با تعلیم و تربیت دارد. اسمیت معتقد است مسأله اساسی در تربیت، پرورش قوه تفکر است و برای پرورش آن ابزارهایی لازم است، یکی از آنها داشتن ذهنیت فلسفی است که افراد را در تفکر صحیح و منطقی کمک می‌کند. از نظر اسمیت فرد دارای ذهن فلسفی، خصوصیات را نشان می‌دهد که شامل سه بعد مرتبط به هم «جامعیت، تعمق و قابلیت انعطاف» است (Smith, 1994).

الف) جامعیت (Comprehensiveness)

فرد دارای ذهن فلسفی، در بعد جامعیت با یک کل نگری، موارد خاص را در ارتباط با زمینه‌ای وسیع می‌نگرد.

امروزه تنها دسترسی به انبوه اطلاعات و ارتباطات و تکیه بر پرکردن ذهن افراد از اطلاعات، جوابگوی نیازهای تربیتی نسل حاضر و فردا نخواهد بود. فراگیرندگان امروز، شهروندان فردای جامعه محسوب می‌شوند که باید در همه ابعاد مختلف رشد یابند و مهارت‌های لازم را کسب کنند. مقابله با بحران‌ها و نیازهای عصر حاضر، مستلزم پرورش انسان‌های منطقی، نقاد و خلاق است. انسان‌هایی که توانایی تشخیص، حل مسأله و تصمیم گیری داشته باشند. انسان‌هایی که مهارت‌ها را بیاموزند، بیاموزند که چگونه فکر کنند، تصمیم بگیرند و قضاوت کنند. معلمان در این میدان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. معلمان یکی از حلقه‌های زنجیره نظام آموزشی و در واقع مهمترین عنصر آن هستند که ضعف آنها می‌تواند باعث ازهم پاشیده شدن این زنجیره و ناکامی در دستیابی به اهداف شود (Shahbazi and Jafari, 2010). مسأله اصلی، ذهن و تفکر معلمان است. فکری که خاستگاه و اساس هر رویکرد و عملکردی است و در نتیجه تضمین کننده اثربخشی معلم و نظام آموزشی است. از این رو نظام آموزشی نیازمند افرادی متفکر و خلاق است که بتوانند اطلاعات و حقایق را با تأمل و دقت همه جانبه بررسی کرده، به باور و بینشی صحیح نسبت به برنامه درسی نایل آیند.

رویکرد یک فرد به برنامه درسی، بازخوردی از نگرش او به جهان، درک او از واقعیت، ارزش‌هایی که مهم فرض می‌کند و همین طور میزان دانش اوست. یک رویکرد، نظری درباره تهیه، توسعه و همچنین طرح ریزی برنامه درسی، نقش بازیگران، عناصر برنامه درسی و کلیه مسائل مهمی است که باید بررسی و آزمایش شوند (Ornstein and Hunkins, 2005).

آیزنر (Eisner) معتقد است افراد مختلف و به خصوص معلمان به صور مختلف تحت تأثیر برنامه درسی قرار می‌گیرند و در نتیجه جهت گیری خاصی نسبت به برنامه درسی پیدا می‌کنند و این موضع گیری معلمان نسبت به برنامه درسی است که بر روی تمامی فعالیت‌های مربوط به آموزش و تدریس آنان سایه افکنده، آن را هدایت می‌کند (Hajizadeh and Karami, 2014). برنامه درسی از کانال

شرایط جامعه اسلامی ما باشد و به اثربخشی لازم دست یابد.

در رابطه با بررسی ذهنیت فلسفی معلمان و مربیان تحقیقاتی توسط سخنور و ماهرزاده (Sokhanvar and Mahroozadeh, 2009)، شهبازی و جعفری (Shahbazi and Jafari, 2010)، خالدان و آبکار (Khaledan and Abkar, 2005) و دمرچیلی و رسول نژاد (Damarchilli and Rasoolnejad, 2008) انجام شده که در آنها با اندازه‌گیری ذهنیت فلسفی معلمان، ارتباط آن را با متغیرهایی چون روش تدریس، خلاقیت و دستیابی به اهداف، بررسی شده است.

همچنین در رابطه با جهت‌گیری‌های برنامه درسی تحقیقاتی توسط بهالگردی (Behalvardi, 2010)، اکبری بورنگ و همکاران (Akbari-booreng and et al., 2013) و چانگ (Cheung, 2000) انجام شده است که در آنها جهت‌گیری‌های مدرسان دانشگاه و معلمان اندازه‌گیری و در ارتباط با متغیرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. علی‌رغم اهمیت ذهنیت فلسفی دبیران و همچنین رویکردهای آنان به برنامه درسی، پژوهشگران کمتر به ارتباط این دو مقوله پرداخته‌اند.

از این جهت پرسش‌هایی در این زمینه بی‌پاسخ مانده است. پرسش‌هایی مانند این که ذهنیت فلسفی به عنوان یک توانایی فکری، تا چه میزان با قضاوت یا جهت‌گیری برنامه درسی معلمان ارتباط دارد. هدف این پژوهش بررسی میزان برخورداری دبیران از ذهنیت فلسفی، رویکردهای برنامه درسی آنان، رابطه خصوصیات دموگرافیکی دبیران (جنسیت) با میزان برخورداری از ذهنیت فلسفی و جهت‌گیری‌های برنامه درسی آنان و نیز پیش‌بینی جهت‌گیری‌های برنامه درسی آنان از طریق ابعاد ذهنیت فلسفی است. بنابراین سؤالات اصلی در این پژوهش موارد ذیل است:

سطح برخورداری دبیران مقطع متوسطه شهر زاهدان از ذهنیت فلسفی چگونه است؟
دبیران مقطع متوسطه شهر زاهدان به چه میزان جهت‌گیری‌های برنامه درسی را ارزش‌گذاری کرده‌اند؟

مقاومت در برابر فشارهای امور آنی، بررسی عمیق مسائل و استفاده از تعمیم خلاق به جای تعمیم استقرایی، سازماندهی حقایق و شکیبایی در تفکرات عمیق نظری از جمله ویژگی‌های این بعد است.

(ب) تعمق (Depths)

در تعمق، فرد مسائل و آنچه را که مسلم فرض می‌شود مورد سؤال قرار می‌دهد. رهایی از هرگونه جبر آشکار و عادت‌ها و تجزیه و تحلیل و توضیح معانی تلویحی موقعیت‌ها از جمله ویژگی‌های این بعد است.

(پ) انعطاف‌پذیری (Flexibility)

عدم تجر و تحت تأثیر فشارهای محیطی، عاطفی و روانی قرار نگرفتن، بررسی و مشاهده امور متضاد و پدیده‌ها از جهات مختلف و علاقه به عمل کردن در موقعیت‌های مبهم از جمله ویژگی‌های این بعد است (Shariatmedari, 1990).

معلمان در جهت‌گیری خود نسبت به تمامی عناصر نظام آموزشی دست به قضاوت ارزشی می‌زنند و از نظر اسمیت، ذهنیت فلسفی همان ابزاری است که افراد را در تفکر صحیح و داشتن قضاوت‌های درست عادت می‌دهد (Smith, 1994). اهمیت ذهنیت فلسفی، پیش از این در زمینه‌های گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد ذهنیت فلسفی بالا، توانایی تأثیرگذاری بر عملکرد و اجرای وظایف افراد را داشته باشد (Khaledan and Abkar, 2005). اهمیت نقش و جایگاه مدیران آموزشی و معلمان، مفهوم ذهنیت فلسفی پس از مطالعات مختلف در حوزه مدیریت، اخیراً وارد مباحث تعلیم و تربیت و برنامه درسی نیز شده است. علت این تحقیقات فزاینده در این زمینه، مشاهده تأثیر نوع تفکر و ذهنیت فلسفی افراد در رویکرد و عملکرد آنان و در نتیجه اثربخشی آنان است. در صورت مثبت بودن نتایج این مطالعه مبنی بر رابطه بین ذهنیت فلسفی معلمان و جهت‌گیری برنامه درسی آنان، باید در دوره‌های تربیت معلم در جهت تقویت ابعاد ذهنیت فلسفی و در نتیجه پرورش قوه تفکر معلمان و با تأکید بر مبانی ارزشی دین مبین اسلام، اقداماتی صورت گیرد تا به این وسیله معلمان با دیدی باز و همه‌جانبه جهت‌گیری را نسبت به برنامه درسی خود انتخاب کنند که متناسب با

منظور پرسشنامه در اختیار متخصصان برنامه درسی قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان اصلاح شد. به منظور بررسی روایی سازه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد که شاخص KMO برابر با ۰/۸۴ و ضریب کروییت بارتلت برابر با ۳۷۹۲/۰۵۸ بود، که در سطح ۰/۰۱ معنادار شد.

نتایج بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳ با چرخش متعامد، متغیر مورد نظر را تأیید کرد (Akbaribooreng and et al, 2013). همچنین پایایی این ابزار توسط بهالگردی (Behalgardi, 2010) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ تعیین شده است. علاوه بر این پرسشنامه بر روی یک نمونه ۲۰ تایی از معلمان شاغل در شهر زاهدان اجرا و پس از تجزیه و تحلیل توسط نرم افزار SPSS ضریب پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که از بین مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی، انعطاف پذیری بیشترین میانگین (۷۱/۷۹) و مؤلفه تعمق کمترین میانگین (۶۸/۰۳) را دارد.

همین طور از بین جهت گیری‌های برنامه درسی، جهت گیری شناختی بیشترین میانگین (۲۱/۳۰) و جهت گیری عقل گرایی آکادمیک کمترین میانگین (۱۸/۵۵) را دارد.

سؤال اول: سطح برخورداری دبیران مقطع متوسطه شهر زاهدان از ذهنیت فلسفی چگونه است؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال و به منظور ارزیابی بهتر، ابتدا نمره ذهنیت فلسفی را به سه سطح خوب (۲۲۱ تا ۳۰۰)، متوسط (۱۴۱ تا ۲۲۰) و ضعیف (۶۰ تا ۱۴۰) تقسیم و فراوانی هریک از سطوح در نمره کل ذهنیت فلسفی هر آزمودنی محاسبه شد که نتایج به دست آمده در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که ۷۴/۱٪ افراد گروه نمونه از سطح ذهنیت فلسفی متوسطی برخوردارند و نیز ۲۵/۹٪ از افراد گروه نمونه در سطح ذهنیت فلسفی خوب قرار دارند.

همچنین با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳ مشخص شد که میانگین نمره ذهنیت فلسفی دبیران ۲۱۰/۰۵ است

آیا ابعاد ذهنیت فلسفی دبیران مقطع متوسطه، جهت گیری‌های پنج گانه برنامه درسی را پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، دبیران مقطع متوسطه شهر زاهدان که شامل ۸۹۴ نفر (۳۰۳ مرد و ۵۹۱ زن) که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ اشتغال داشتند، بودند.

با توجه به حجم جامعه که ۸۹۴ نفر بود، برای اندازه گیری حجم نمونه تحقیق، با استفاده از فرمول کوکران حجم مطلوب نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۲۷۰ نفر به دست آمد که با روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین دبیران سطح ناحیه یک و دو انتخاب شدند. در این پژوهش برای سنجش ذهنیت فلسفی دبیران از پرسشنامه ذهنیت فلسفی که توسط سلطانی (Soltani, 1996) تدوین و اجرا و توسط زکی (Zaki, 1998) و مرتضایی مقدم (Mortezaeimogadam, 2001) مجدداً اجرا شده است، استفاده شد که سه مؤلفه (جامعیت، انعطاف پذیری و تعمق) را می‌سنجد.

پایایی این ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسط بهاری (Bahari, 2006)، ۷۸/۰ محاسبه شده است. برای سنجش پایایی این پرسشنامه توسط (زکی، Zaki, 1998) از آزمون - آزمون مجدد استفاده شده و ضریب همبستگی ۰/۶۸ به دست آمده است.

روایی محتوایی یا صوری پرسشنامه ذهنیت فلسفی با استفاده از نظر متخصصان تأیید شد (Shahbazi and Jafari, 2010). روایی سازه پرسشنامه ذهنیت فلسفی توسط جاویدی و ابوترابی (Javidi and Abootorabi 2011) بررسی، که در این روش با استفاده از نظر متخصصان میزان همخوانی گویه‌ها با ویژگی‌های ذهن فلسفی تأیید شد. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۲ به دست آمد.

همچنین به منظور اندازه گیری جهت گیری‌های برنامه درسی دبیران از پرسشنامه جهت گیری‌های برنامه درسی (COI) چانگ و (Cheung and Wong, 2002) استفاده شد که بر اساس مطالعات آیزنر و ولنس تدوین شده است. روایی ابزار، از طریق روایی محتوایی تعیین گردید. به این

عقل‌گرایی آکادمیک با ۱۸/۵۹٪ کمترین ارزش‌گذاری را داشت.

سؤال سوم: آیا ابعاد ذهنیت فلسفی دبیران مقطع متوسطه، جهت‌گیری‌های پنج‌گانه برنامه درسی را پیش‌بینی می‌کند؟

جهت پاسخ‌گویی به این سؤال از آزمون تحلیل رگرسیون خطی گام به گام استفاده شد. برای تعیین سهم ابعاد ذهنیت فلسفی در پیش‌بینی جهت‌گیری‌های برنامه درسی، هریک از جهت‌گیرها به صورت جداگانه به عنوان متغیر ملاک و ابعاد ذهنیت فلسفی به عنوان متغیرهای پیش‌بین، وارد تحلیل رگرسیون شدند (جدول شماره ۵).

که در سطح متوسط قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که وضعیت ذهنیت فلسفی دبیران در سطح متوسط قرار دارد.

سؤال دوم: دبیران مقطع متوسطه شهر زاهدان به چه میزان جهت‌گیری‌های برنامه درسی را ارزش‌گذاری کرده‌اند؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال میانگین ارزش‌گذاری هر یک از جهت‌گیری‌ها با نمره متوسط ممکن مقایسه شد (جدول شماره ۴).

نتایج نشان داد که تمامی جهت‌گیری‌ها بیشتر از حد متوسط ارزش‌گذاری شده‌اند. جهت‌گیری شناختی با میانگین ۲۱/۳۱٪ بیشترین ارزش‌گذاری و جهت‌گیری

جدول ۱ - میانگین و انحراف استاندارد ذهنیت فلسفی، مؤلفه‌های آن و جهت‌گیری‌های برنامه درسی

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
ذهنیت فلسفی	۲۷۰	۲۱۰/۰۵	۱۴/۶۷۶
ابعاد ذهنیت فلسفی	۲۷۰	۷۰/۲۳	۶/۹۴۶
	۲۷۰	۶۸/۰۳	۶/۹۵۲
	۲۷۰	۷۱/۷۹	۶/۰۵۲
جهت‌گیری‌های برنامه درسی	۲۷۰	۲۱/۳۰	۲/۰۶۵
	۲۷۰	۱۹/۸۷	۲/۷۲۲
	۲۷۰	۱۸/۵۵	۲/۹۳۷
	۲۷۰	۱۹/۴۸	۲/۶۷۸
	۲۷۰	۱۹/۶۴	۲/۴۸۳

جدول ۲ - میزان برخورداری دبیران از ذهنیت فلسفی

سطوح برخورداری از ذهنیت فلسفی	فراوانی	درصد	درصدخالص
خوب	۷۰	۲۵/۹	۲۵/۹
متوسط	۲۰۰	۷۴/۱	۷۴/۱
ضعیف	۰	-	-
کل	۲۷۰	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول ۳ - میانگین ذهنیت فلسفی دبیران در نمره کل

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
۲۷۰	۲۱۰/۰۵	۱۴/۶۷

جدول ۴ - جهت گیری‌های ارزش گذاری شده توسط دبیران

جهت گیری‌ها	تعداد نمونه	نمره متوسط ممکن	میانگین	تفاوت از نمره متوسط	انحراف استاندارد	t	سطح معناداری
شناختی	۲۷۰	۱۵	۲۱/۳۱	۶/۳۱	٪۲/۰۷	۵۰/۰۹	۰/۰۰۱
رفتارگرایی	۲۷۰	۱۵	۱۹/۹۸	۴/۹۸	٪۲/۸۱	۲۹/۰۶	۰/۰۰۱
عقل گرایی آکادمیک	۲۷۰	۱۵	۱۸/۵۹	۳/۵۹	٪۲/۵۲	۱۹/۸۴	۰/۰۰۱
انسان گرایی	۲۷۰	۱۵	۱۹/۵۵	۴/۵۵	٪۲/۷۴	۲۷/۲۸	۰/۰۰۱
به گزینی شواب	۲۷۰	۱۵	۱۹/۶۹	۴/۶۸	٪۲/۹۷	۳۰/۵۱	۰/۰۰۱

جدول ۵ - نتایج آزمون رگرسیون مدل پیش‌بینی جهت گیری‌های برنامه درسی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی

متغیرهای ملاک	متغیرهای پیش‌بین	R	R ^۲	R ² تنظیم شده	بتا استاندارد	F	سطح معناداری
مدل پیش‌بینی جهت گیری رفتارگرایی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی	جامعیت	۰/۲۱	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۲۱	۱۳/۰۱	۰/۰۰۰
مدل پیش‌بینی جهت گیری عقل گرایی آکادمیک توسط ابعاد ذهنیت فلسفی	جامعیت	۰/۱۷	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۱۷	۸/۸۹	۰/۰۰۳
مدل پیش‌بینی جهت گیری انسان گرایی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی	جامعیت	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۱۲	۴/۱۵	۰/۰۰۴
مدل پیش‌بینی جهت گیری به گزینی شواب توسط ابعاد ذهنیت فلسفی	تعمق	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۲۱	۱۵/۳۱	۰/۰۰۰
مدل پیش‌بینی جهت گیری شناختی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی	-	-	-	-	-	-	-

* P < ۰/۰۵

در مدل پیش‌بینی جهت‌گیری به‌گزینی شواب توسط ابعاد ذهنیت فلسفی نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که تنها مؤلفه تعمق وارد تحلیل شده است ($P < 0.01, R = 0.23$) و سایر مؤلفه‌ها به دلیل عدم توانایی در پیش‌بینی متغیر ملاک، وارد تحلیل نشدند.

نهایتاً در مدل پیش‌بینی جهت‌گیری شناختی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی، هیچ کدام از ابعاد ذهنیت فلسفی وارد معادله پیش‌بینی نشدند.

برای مقایسه ذهنیت فلسفی و ابعاد آن در دبیران مرد و زن از آزمون تی با نمونه‌های مستقل استفاده شده است (جدول شماره ۶).

نتایج نشان داد که فقط در بعد تعمق تفاوت بین دبیران مرد و زن معنادار بوده و مردان از سطح تعمق بالاتری برخوردارند ($P < 0.05, t = 2.11$). تفاوت جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دبیران مرد و زن باتوجه به نتایج جدول فوق معنادار نبود.

در مدل پیش‌بینی جهت‌گیری رفتارگرایی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی، نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که تنها مؤلفه جامعیت وارد تحلیل شده است ($P < 0.01, R = 0.21$). سایر مؤلفه‌ها وارد تحلیل رگرسیون نشدند و این نشان دهنده عدم توانایی آنها در پیش‌بینی متغیر ملاک است.

در مدل پیش‌بینی جهت‌گیری عقل‌گرایی آکادمیک توسط ابعاد ذهنیت فلسفی نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که تنها مؤلفه جامعیت وارد تحلیل شده است ($P < 0.01, R = 0.30$) و سایر مؤلفه‌ها به دلیل عدم توانایی در پیش‌بینی متغیر ملاک، وارد تحلیل نشدند.

در مدل پیش‌بینی جهت‌گیری انسان‌گرایی توسط ابعاد ذهنیت فلسفی نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که تنها مؤلفه جامعیت وارد تحلیل شده است ($P < 0.01, R = 0.12$) و سایر مؤلفه‌ها به دلیل عدم توانایی در پیش‌بینی متغیر ملاک، وارد تحلیل نشدند.

جدول ۶ - نتایج آزمون تی مستقل تفاوت ذهنیت فلسفی و جهت‌گیری‌های برنامه درسی بر حسب جنسیت

معناداری	درجه آزادی	t	انحراف میانگین	میانگین	آماره متغیر	جهت‌گیری	
۰/۰۸	۲۶۸	۱/۷۳	۱۳/۸۱	۲۰۸/۵۶	زن	ذهنیت فلسفی	
			۱۵/۴۴	۲۱۱/۶۵			مرد
۰/۶۴	۲۶۸	۰/۴۵	۶/۶۵	۷۰/۰۴	زن	جامعیت	
			۷/۲۶	۷۰/۴۳			مرد
*۰/۰۳	۲۶۸	۲/۱۱	۶/۹۴	۶۷/۱۷	زن	تعمق	
			۶/۸۶	۶۸/۹۵			مرد
۰/۲۰	۲۶۸	۱/۲۶	۵/۹۵	۷۱/۳۴	زن	انعطاف پذیری	
			۶/۱۴	۷۲/۲۸			مرد
			۸/۸۶	۹۹/۰۲			مرد
۰/۳۸	۲۶۸	-۰/۸۷	۱/۹۷	۲۱/۴۲	زن	شناختی	
			۲/۱۷	۲۱/۲۰			مرد
۰/۸۴	۲۶۸	-۰/۱۹	۲/۷۱	۲۰/۰۱	زن	رفتارگرایی	
			۲/۹۲	۱۹/۹۵			مرد

۰/۱۲	۲۶۸	۱/۵۵	۲/۹۹	۱۸/۳۲	زن	عقل گرایی آکادمیک
			۲/۹۳	۱۸/۸۸	مرد	
۰/۴۰	۲۶۸	-۰/۸۳	۲/۸۷	۱۹/۶۹	زن	انسان گرایی
			۲/۵۹	۱۹/۴۱	مرد	
۰/۴۹	۲۶۸	-۰/۶۷	۲/۴۷	۱۹/۷۹	زن	به گزینی شواب
			۲/۵۸	۱۹/۵۸	مرد	

* $P < 0.05$

بحث و نتیجه‌گیری

در بعد جامعیت دبیرانی که جنبه کلی امور تربیتی را در نظر می‌گیرند و موارد خاص را در ارتباط با زمینه وسیع و اهداف دراز مدت می‌نگرند جهت گیری‌های بیشتری را نسبت به افراد با ذهنیت فلسفی ضعیف مدنظر قرار می‌دهند. در بعد تعمق نیز افراد مایل به شناخت، تجزیه و تحلیل و توضیح معانی تلویحی موقعیت‌ها هستند که این در جهت گیری به گزینی شواب با تأکید بر زمینه و بافت کلاسی، اجتماعی و راهنمایی دانش‌آموزان برای عمل مفید در موقعیت‌های خاص نمود پیدا می‌کند. بنابراین ابعاد جامعیت و تعمق که توانایی‌های فکری دبیران محسوب می‌شوند در قضاوت و سمت گیری آنها نسبت به برنامه درسی تأثیرگذار است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که آزمودنی‌ها از ذهنیت فلسفی در سطح متوسطی برخوردارند که این نتیجه به وسیله سراوانی (Saravani, 2005)، طالب پور و همکاران (Talebpoor and et al, 2005) و نیکخواه (Nickhah, 2007) حمایت می‌شود. سراوانی در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته بود که میزان برخورداری دبیران متوسطه شهر زاهدان بیش از حد متوسط است. طالب پور و همکاران، در پژوهش خود نیز به این نتیجه رسیدند که مدیران، مربیان و سرپرستان از نظر ذهنیت فلسفی در حد متوسط قرار دارند. همچنین نیکخواه به این نتیجه دست یافت که مربیان و معلمان ورزش از نظر برخورداری از ذهنیت فلسفی در سطح متوسطی قرار دارند و نمره متوسط معلمان بهتر از از مربیان است.

نتایج به دست آمده در این پژوهش بر اساس سؤالات پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

سؤال اصلی پژوهش: آیا ابعاد ذهنیت فلسفی دبیران مقطع متوسطه، جهت گیری‌های پنج گانه برنامه درسی را پیش‌بینی می‌کند؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از بین ابعاد ذهنیت فلسفی دبیران، بعد جامعیت توانایی پیش‌بینی جهت گیری رفتارگرایی، عقل گرایی آکادمیک و انسان گرایی را دارد. همچنین بعد تعمق قادر به پیش‌بینی جهت گیری به گزینی شواب است. این نتیجه با یافته‌های سخنور و ماهروزاده (Sokhanvar and Mahroozadeh, 2009)، شهبازی و جعفری (Shahbazi and Jafari, 2010)، خالدان و آبکار (Khaledan and Abkar, 2005)، دمرچیلی و رسول نژاد (Damarchilli and Rasoolnejad, 2008)، محمدی و یوزباشی (Mohammadi and youzbashi, 2011)، جاویدی و ابوترابی (Javidi and Abootorabi, 2011) و سیف هاشمی و رجایی پور (Seyfhashemi and Rajaepoor, 2004) همسو است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که ذهنیت فلسفی عواملی چون روش تدریس، دستیابی به اهداف درسی، سبک مدیریت و همین طور خلاقیت معلمان را پیش‌بینی می‌کند و از آنجایی که هر رویکرد برنامه درسی متأثر از خلاقیت معلم است و تأکیدی دربارۀ مواردی چون روش تدریس، دستیابی به اهداف، نقش معلم و ... دارد، می‌توان گفت سطح برخورداری معلم از ذهنیت فلسفی، پیش‌بینی کننده جهت گیری او نسبت به برنامه درسی است.

که این می‌تواند متأثر از ماهیت رشته تحصیلی یا برنامه درسی مصوب نظام آموزشی باشد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در نمره کل برخورداری از ذهنیت فلسفی بین دبیران مرد و زن تفاوت معناداری وجود ندارد که این با یافته‌های خالدان و آبکار (Khaledan and Abkar, 2005)، سیف هاشمی و رجایی پور (Seyfhashemi and Rajaeepoor, 2004) و بهاری (Bahari, 2006) همسو است. محیط فرهنگی یکسان و آموزش‌های رسمی از جمله آموزش‌های عمومی قبل از دانشگاه، آموزش‌های دوره تربیت معلم و آموزش‌های ضمن خدمت برای تمامی دبیران آموزش و پرورش یکسان است و این می‌تواند از جمله دلایل نزدیک بودن ذهنیت فلسفی در دبیران مرد و زن باشد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از میان ابعاد ذهنیت فلسفی تنها در برخورداری از بعد تعمق بین دبیران مرد و زن تفاوت وجود دارد و مردان از تعمق بیشتری نسبت به زنان برخوردار هستند.

بعد تعمق شامل خصوصیات چگونگی سؤال بردن امور مسلم یا بدیهی، کشف و تدوین بنیادها، حساسیت برای اموری که دارای معانی ضمنی و رابطه‌ای و مبتنی کردن انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی - قیاسی است و یافته‌ها نشان می‌دهد در بین دبیران مقطع متوسطه شهر زاهدان، دبیران مرد از سطح تعمق بیشتری نسبت به دبیران زن برخوردارند. این نتیجه با یافته دم‌چیلی و رسول نژاد (Damarchilli and Rasoolnejad, 2008) همسو، و با یافته سراوانی (Saravani, 2005) ناهمسو است. برطبق نتایج دم‌چیلی و رسول نژاد، بعد تعمق ذهنیت فلسفی در مردان به شکل معناداری بیشتر از زنان است. اما طبق یافته‌های سراوانی، بعد تعمق در دبیران زن بیشتر از دبیران مرد بود. در توجیه این ناهم‌سویی می‌توان گفت با وجود این که پژوهش حاضر و پژوهش سراوانی در یک شهر انجام شده، اما عواملی چون فاصله زمانی، آموزش‌های ضمن خدمت معلمان، تغییر جامعه آماری و همچنین تغییر در روش‌های تربیت معلم با توجه به گذشت زمان، می‌تواند باعث این ناهم‌سویی در یافته‌ها شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دبیران تمامی جهت‌گیری‌های برنامه درسی را ارزش‌گذاری کرده‌اند. معلمان اغلب از بیش از یک دیدگاه استفاده می‌کنند یا با ترکیب دیدگاه‌های مختلف اقدام به ساختن فرادیدگاه‌های خاص بر اساس نیازهای آموزشی و دستیابی هرچه بهتر به اهداف آن می‌کنند. بنابراین همبستگی بسیار نزدیکی بین جهت‌گیری‌های برنامه درسی مشاهده شد. این یافته با نتایج به دست آمده توسط اکبری بورنگ و همکاران (Akbaribooreng and et al, 2013)، چانگ و ونگ (Cheung and wong, 2002)، چانگ (Cheung, 2000)، ردینگ (Reding, 2008)، کرومی (Crummey, 2007)، لیچی و جانسون (Litchy and Johnson, 2006) و ریو (Ryu, 1998) همسو است. چانگ (Cheung, 2000) در پژوهش خود دریافت که همبستگی مثبت بین همه جهت‌گیری‌ها وجود داشت، به گونه‌ای که مثلاً معلمانی که رویکرد انسان‌گرایی را ارزش‌گذاری کرده بودند گرایش بسیار شدیدی هم به رویکرد رفتارگرایی داشتند.

همچنین در پژوهش حاضر رویکرد قالب دبیران رویکرد فرایند‌شناختی بود که با توجه به اینکه رسالت اصلی و اولیه آموزش و پرورش تأمین نیازهای فکری و مهارت‌های ذهنی دانش‌آموزان است (Sokhanvar and Mahroozadeh, 2009) منطقی به نظر می‌آید. این یافته توسط نتایج تحقیقات کرومی (Crummey, 2007)، لیچی و جانسون (Litchy and Johnson, 2006) و ریو (Ryu, 1998) حمایت می‌شود، و با یافته چانگ و ونگ (Cheung and wong, 2002) ناهمسو است. آنها دریافتند که بین معلمان چینی، رویکرد رفتاری بیشترین ارزش‌گذاری را دارد. این یافته در بین معلمان چینی نشان دهنده توجه آنها بر اهداف، مراحل، شیوه ارائه برنامه درسی و نتایج کاملاً مشخص است. ارزش‌گذاری بیشتر رویکرد شناختی در پژوهش حاضر، می‌تواند ناشی از تعداد بیشتر مدارس متوسطه نظری به نسبت هنرستان‌ها و مراکز آموزش کار و دانش باشد. رویکرد رفتاری، تنها در تعدادی از هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی به صورت رویکرد غالب مشاهده شد در حالی که معلمان حوزه نظری، غالباً بر نظم و رشد مهارت‌های ذهنی و تأمین نیازهای فکری دانش‌آموزان تأکید می‌کردند

Bahari, S. (2006). The relationship between philosophical mindedness of management and their performance, new thoughts in training sciences, Azad Islamic university of Roodehen, (4), 45-54. [Persian].

Behalgardi, B. (2010). Explanation the Curriculum orientation through teachers and employees' of curriculum system of Iran's epistemology believes, M.A thesis in training sciences, curriculum. Ferdousi University of Mashhad. College of training sciences and psychology. [Persian].

Cheung, D. (2000). Measuring teachers' Meta-orientations to curriculum: Application of hierarchical confirmatory factor analysis. The Journal of Experimental Education, 68(2), 149-165

Cheung, D., Wong, HW. (2002). Measuring teacher beliefs about alternative curriculum. Designs. Curriculum Journal. 13, 225-248.

Crummey, M (2007). Curriculum orientation of alternative education teachers. Kansas: University Of Kansas.

Damarchilli, F. and Rasoolnejad, A. (2008). Survey the relationship between Philosophical mindedness and creativity of faculty member in Azad Islamic university of Zanjan, new thoughts in training sciences, (1), 45-62. [Persian].

Javidi, T. and Abootorabi, R. (2011). Philosophical mindedness and leadership style of managers, training and psychology's study of Ferdousi University of Mashhad, (1), 211-234. [Persian].

Hajizadeh, H. and Karami, M. (2014). The analysis of the intended and implemented curriculum in junior high school (according to UNESCO's elements in peace education), Research in curriculum planning, 11(15), 92-109 . [Persian].

Khaledan, A. and Abkar, A. (2005). Survey the amount of Philosophical mindedness of athletic trainers and its relationship with some of personal features. Fellowship of Practical athletic physiology, (1), 80-95. [Persian].

Lichty, M.E. and Johnson, J.M. (2006). A Follow Up Study: The examination of teaching beliefs and its influence on curriculum orientation

با توجه به نتایج این پژوهش، بین جهت گیری های ارزش گذاری شده توسط دبیران برحسب جنسیت، تفاوتی مشاهده نشد که این با یافته های اکبری بورنگ و همکاران (Akbaribooreng and et al, 2013)، چانگ و ونگ (Cheung and wong, 2002)، چانگ (Cheung, 2000) همسو و با نتایج تحقیق ردینگ (Reding, 2008) ناهمسو است. در توجیه این ناهمسوئی می توان از عوامل تأثیرگذار بر رویکردهای معلمان مانند محیط، تفاوت سطح دانش و فرهنگ افراد و نیز فرهنگ غالب بر نظام آموزشی، نام برد.

بنابراین نتایج این مطالعه پیشنهاد می شود زمینه های آگاهی و پرورش خصوصیات ذهن فلسفی و توانمندی های فکری دبیران از طریق برگزاری دوره های قبل از خدمت و ضمن خدمت، انتشار جدیدترین یافته های علمی در ارتباط با تأثیر یا کاربرد ذهنیت فلسفی در آموزش و نیز پیش بینی مشوق های مناسب برای دبیرانی که از این توانمندی در اجرای وظایفشان برخوردارند، فراهم آید.

آگاهی دبیران از جهت گیری های برنامه درسی، باعث شفافیت در رویکرد، همسوئی میان دیدگاه و عملکرد، و در نتیجه تحقق هرچه بیشتر اهداف آموزشی می گردد. لذا پیشنهاد می شود مسؤولان نظام آموزشی تدابیری جهت شناخت دبیران از رویکردهای مختلف، فواید و نحوه به کارگیری هر رویکرد، از طریق برنامه های ضمن خدمت، کارگاه های آموزشی و انتشار به روزترین یافته های علمی در بین دبیران، اتخاذ کنند. همچنین پیشنهاد می شود در مطالعه های مشابه به بررسی ارتباط بین جهت گیری برنامه درسی اتخاذ شده توسط معلمان و اثربخشی آن پرداخته شود تا مشخص شود جهت گیری که بر اساس ذهنیت فلسفی انتخاب می گردد، به اثربخشی مورد انتظار نیز دست پیدا می کند.

منابع

Akbaribooreng, M., Jafarisani, H., Ahanchian, M., Karshki, H. (2013). Curriculum orientation's of teachers: The role of sex, grade and instruction method (metaphoric and personal appearance) in university of medical sciences of Mashhad, Education in medical sciences (3), 210-219. [Persian].

school teachers. New thoughts in training sciences, Azahra University, (3), 67-94. [Persian].

Saravani, N. (2005). A comparison survey of Philosophical mindedness of high school teachers in three fields: mathematic, experiences and humanistic sciences in Zahedan city in 2005-2006. M.A thesis in training sciences, history and philosophy of education, University of Isfehan. [Persian].

Soltani, I. (1996). Measure amount of Philosophical mindedness of managers. Tadbeer scientific and educational month paper, (62). [Persian].

Seyfhashemi, F. and Rajaeepoor, S. (2004). Survey the relationship between Philosophical mindedness and creativity of high school managers of Isfahan in 2002-2003. Education quarterly, (77), 31-64. [Persian].

Shariatmadari, A. (1990). Principal of education, Tehran: Amirkabir publication.

Shahbazi, R. and Jafari, S. (2010). The relationship between philosophical mindedness and teaching style of high school teachers of Isfahan. training sciences and psychology, (2), 41-58. [Persian].

Taleb poor, M., Hosseini, A., Jabari, H. and Jabari, M. (2005). Survey and compare philosophical mindedness of managers, trainer and administrators of athletic teams of all university in country. Research in athletic sciences, (7), 109-130. [Persian].

Zaki, M. (1998). Survey aspects of Philosophical mindedness of managers. Knowledge of management, (41), 147-159. [Persian].

decisions. Journal of Family and consumer sciences education, 24(2): 36-50 .

Mortezaeimoghadam, M. (2001). Influence of philosophical mindedness of managers at decision making style of them in Ferdousi university of Mashhad, M.A thesis in management, Ferdousi university of Mashhad. [Persian].

Mohammadi, A. and Youzbashi, A. (2011). A Study of the relationship between Philosophic Mind and Leadership Styles of managers of physical education offices in Iran. Social and behavioral sciences, 47(2012): 168-170.

Nickhah, A. (2007). Philosophical mindedness and its aspects in athletic teachers and trainers of Golpaygan city. M.A thesis in body training and athletic sciences. University of Golpaygan.[Persian].

Noruzi, T., Janat Fereidoni, T. and Moshakelayeh, M. (2014). The study of the relationship between the hidden curriculum components and the national identity of high school students, Research in curriculum planning, 11(15), 110-121. [Persian].

Ornestein, A. Hankinz, c. Francis, P. (2005). Foundations, principal and issues of curriculum, translated by Ahghar, G. Tehran: Islamic Azad University, Department of sciences and Researches. [Persian].

Reding, A. C (2008). Curriculum orientation of catholic school teachers and administrators. Kansas: University Of Kansas .

Ryu, S. (1998). Curriculum orientation and professional teaching practices reported by Korean secondary school home economics teachers and teacher educators. Ohio: Ohio State University .

Smith, F. (1990). Education philosophy, Translated by Beheshti, S., Mashhad: Ney. [Persian].

Smith, F. (1994). Philosophical mindedness in educational management, Translated by Behrangi, M., Tehran: Kamaltarbiat's publication. [Persian].

Sokhanvar, N. and Mahroozadeh, T. (2009). Philosophical mindedness and attitude toward active teaching style in mathematics' guidance